

تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی

مهدی طغیانی *

امین مرادی باصیری **

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۳۰

چکیده

در حال حاضر ایالات متحده در راستای آمریکایی‌سازی دنیا، الگویی را در حوزه سواد مالی طراحی نموده و با حجم وسیع تبلیغاتی خود درصدد اشاعه آن در سراسر دنیا می‌باشد. با توجه به اینکه در طراحی الگوی اسلامی تربیت مالی، استفاده از تجربیات الگوی غربی مفید می‌باشد؛ هدف ما در این مقاله، تحلیل انتقادی این الگو با رویکردی اسلامی است. به این منظور، با جستجو در منابع مختلف دینی، مقالات مرتبط با اقتصاد اسلامی و نیز اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، به نقد موضوعی الگوی متعارف سواد مالی براساس ملاک‌های استخراجی از منابع دینی پرداختیم و تلاش نمودیم تا مهمترین جنبه‌های تشابهات، تمایزات و نیز نواقص آنها را در مقایسه با مبانی و آموزه‌های دینی مشخص کنیم. مهمترین یافته این پژوهش آن است که الگوی متعارف سواد مالی، الگویی فردگرایانه است و به هویت‌های جمعی زندگی انسان کمتر توجه شده است؛ در حالی که در آموزه‌های اسلامی، در کنار هویت‌های فردی زندگی انسان، هویت‌های جمعی نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

اقتصاد اسلامی، الگوی اسلامی تربیت مالی، الگوی متعارف سواد مالی، سواد مالی، مالی شخصی

طبقه‌بندی JEL: B26, G58, D53

* استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) mtoghyani@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناس ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) aminmoradi128@gmail.com

مقدمه

در دو دهه گذشته، دسترسی به بازارهای مالی در سراسر دنیا افزایش چشمگیری یافته است و خدمات جدید مالی در حال گسترش به مناطق مختلف دنیا می‌باشد. مخصوصاً پس از توسعه ارتباطات در اواخر قرن بیستم و گسترش خدماتی مانند اینترنت، این دسترسی افزایش چشمگیری یافت. با توجه به پیچیده شدن روز افزون خدمات مالی و گسترش آنان، بسیاری از کشورهای دنیا اهمیت بالای نقش «سواد مالی»^۱ در رشد و توسعه اقتصادی خویش را درک کرده و به آموزش مالی و ارتقای سواد مالی مردم خود روی آوردند.

نهادهای مهم بین‌المللی نیز به ارتقای سواد مالی مردم توجهی جدی دارند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۵ «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»^۲ توصیه کرد که: «آموزش مالی باید در مدرسه آغاز شود. مردم باید درباره مسائل مالی تا جایی که امکان دارد زودتر آموزش ببینند» (PISA, 2012, p. 9). همچنین بسیاری از مقامات برجسته سیاسی بر ضرورت توجه به سواد مالی تأکید نموده‌اند. به عنوان مثال، در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳، آقای «ولادیمیر پوتین»^۳، رئیس‌جمهور روسیه در اجلاس گروه جی ۲۰ بر اهمیت آموزش مالی تأکید می‌کند و می‌گوید: «در مورد آموزش مالی، این موضوع بسیار مهم است. در نگاه اول، همه چیز به نظر ساده می‌آید، اما در حقیقت دستیابی به نتایج عملی دشوار است. چون که ما نیازمند معلمان هستیم که برای این امر آماده باشند. لازم است که ما این موضوع را در برنامه درسی مدارس بگنجانیم و ما نیازمند آموزشی تخصصی به جامعه هستیم تا بپذیرند که این موضوع یک اولویت است.»

در میان کشورهای توسعه یافته دنیا، ایالات متحده به تربیت مالی و ارتقای سواد مالی مردم توجه بسیار زیادی می‌کند. در حال حاضر «شورای تربیت اقتصادی»^۴ با بیش از ۶۵ سال فعالیت، عهده‌دار سیاستگذاری کلان آموزشی و تربیت اقتصادی و مالی در تمام ایالات آمریکا است. کشورهایی مانند کانادا، انگلستان، آلمان، ژاپن و سایر

کشورهای پیشرفته در زمینه تربیت اقتصادی و مالی پیشرو نبوده و فعالیت‌های خود را بیشتر با بهره‌گیری از تجربه آمریکایی سامان داده‌اند.

در دیگر کشورهای در حال توسعه نیز تولیدات و انتشارات شورای تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا به نوعی نقشه راه و محتوای لازم برای استفاده در دوره‌های تربیت اقتصادی و مالی بوده است (Lopus & Lacatus, 2002).

در سال ۲۰۱۳ این شورا الگویی را تحت عنوان «استانداردهای ملی برای سواد مالی»^۵ در حوزه تربیت مالی ارائه کرد که بازتاب زیادی در این حوزه داشت و بسیاری از ایالت‌های آمریکا، این الگو را مبنای ارتقای سواد مالی دانش‌آموزان خود قرار دادند. در همین سال بیش از ۵۵ هزار معلم برای آموزش این الگو به دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی تحت تعلیم قرار گرفتند و تنها در آمریکا، بیش از ۵ میلیون دانش‌آموز تحت پوشش برنامه‌های این شورا قرار گرفتند. همچنین با توجه به این که این الگوها جزو پروژه آمریکایی‌سازی دنیاست؛ ایالات متحده با حجم وسیع تبلیغاتی خود درصدد ترویج و اشاعه آن در کشورهای مختلف دنیا می‌باشد.

با توجه به اینکه در طراحی الگوی تربیت مالی هر کشور، باید دغدغه‌های ارزشی آن لحاظ شود؛ کشور ما نیز بخاطر شرایط خاص اسلامی و بومی خود، الگوی اسلامی خاص خود را می‌طلبد.

از کشور اسلامی ایران نیز که در زمان کنونی به عنوان الگوی دنیای اسلام مطرح است؛ انتظار می‌رود که فعالیت‌هایی جدی در طراحی این الگو داشته باشد. در غیر این صورت با توجه به حجم وسیع تبلیغاتی الگوهای غربی، شاهد سوق‌گیری سبک زندگی مالی مردم کشورمان به سمت آن الگوها خواهیم بود.

در طراحی الگوی اسلامی تربیت مالی، نباید آموزه‌های الگوی غربی نفی شود، بلکه با در نظر گرفتن این مطلب که آموزه‌های الگوی غربی ریشه در مبانی فکری و فلسفی آنان دارد؛ لازم است آموزه‌های الگوی غربی مورد نقد قرار گیرد و از تجربیات

آنان در طراحی الگوی اسلامی استفاده گردد. لذا مسأله این است که با توجه به منابع دینی چه نقدهایی بر الگوی سواد مالی شورای تربیت اقتصادی که از آن تحت عنوان «الگوی متعارف سواد مالی» یاد می‌کنیم؛ وارد است تا آموزه‌های ناسازگار با مبانی دینی ما آشکار شود و در طراحی الگوی اسلامی از این تجربیات به نحو صحیحی استفاده گردد.

فرضیه ما آن است که الگوی متعارف سواد مالی، الگویی فردگرایانه است و به هویت‌های جمعی زندگی انسان کمتر توجه شده است. در حالیکه در آموزه‌های اسلامی، در کنار هویت‌های فردی، هویت‌های جمعی زندگی انسان نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

۱. ادبیات نظری موضوع

۱-۲. تعریف سواد مالی و مالی شخصی

در حال حاضر، هیچ توافقی برای تعریف «سواد مالی» و «مالی شخصی»^۶ وجود ندارد و نهادهای مختلف، تعاریف مختلفی را ارائه داده‌اند (Allgood and Walstad, 2011, p. 2). به عنوان مثال «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی» در سال ۲۰۱۱، سواد مالی را چنین تعریف کرد: «سواد مالی، توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر درباره استفاده و مدیریت پول می‌باشد» (ASIC, 2013, p. 8).

این سازمان در سال ۲۰۱۳، تعریف جامع‌تری را از سواد مالی ارائه نمود: «سواد مالی ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌ها، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی می‌باشد» (ASIC, 2013, p. 8).

«ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی»^۷، در سال ۲۰۰۷ در الگوی استانداردهای مالی شخصی خود، سواد مالی را چنین تعریف می‌کند: «سواد مالی،

توانایی استفاده از دانش و مهارت‌ها در مدیریت کارای منابع مالی برای امنیت مالی طول عمر شخص می‌باشد» (JCPFL, 2007, p. 37).

همچنین این ائتلاف در همان الگو، مالی شخصی را نیز چنین تعریف می‌نماید: «اصول و شیوه‌های که افراد برای کسب و مدیریت درآمد و دارایی‌ها از آن استفاده می‌کنند؛ مالی شخصی نامیده می‌شود (JCPFL, 2007, p. 40).

۲-۲. ضرورت توجه به سواد مالی

در سال‌های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. این توجهات توسط بحران‌های مالی برجسته می‌گردد چون که فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به نوبه خود تأثیر زیادی بر تشدید شدن بحران‌ها دارد. لذا در حال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود. علاوه بر تأثیر سواد مالی بر مدیریت بحران‌ها، عوامل دیگری نیز موجب می‌شود که توجه به سواد مالی به عنوان مهارت کلیدی زندگی، در سطح جهانی افزایش یابد. این عوامل عبارتند از:

۱. افزایش مسئولیت افراد: به عنوان نتایج تغییرات در بازار و اقتصاد، تعداد تصمیم‌های مالی‌ای که افراد باید اتخاذ کنند؛ در حال افزایش است. مردم باید تصمیم‌های مالی زیادی بگیرند و به تبعات این انتخاب‌ها نیز توجه کنند. لذا آنان نیازمند سواد مالی برای اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه هستند.

۲. افزایش عرضه گستره وسیعی از محصولات و خدمات مالی: در همه کشورها تعداد فزاینده‌ای از مصرف‌کنندگان به گستره وسیعی از خدمات مالی دسترسی پیدا کرده‌اند و این خدمات توسط تهیه‌کنندگان مختلفی تأمین می‌شود و از راه‌های مختلفی تحویل داده می‌شود. محصولات در دسترس نیز پیچیده‌تر شده‌اند و افراد باید به مقایسه عواملی مانند پول مطالبه شده، نرخ‌های بهره پرداختی یا

دریافتی، مدت قرارداد و قرارگیری در معرض ریسک پردازند. همچنین آنها باید تأمین‌کنندگان مناسب محصولات و راه‌های تحویل آن محصولات را از میان کانال‌های مختلفی مانند گروه‌های جامعه، نهادهای مالی سنتی، بانک‌های آنلاین و... شناسایی کنند.

۳. افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مالی: توسعه اقتصادی و تکنولوژی، تغییرات زیادی را در ارتباطات و معاملات مالی و نیز تعاملات اجتماعی و رفتار مصرف‌کننده به وجود آورده است. با افزایش سطح پیچیدگی‌ای که افراد در تعاملات مالی خود با آن مواجه می‌شوند؛ انتظار می‌رود که آنها به میزان کافی سواد مالی داشته باشند تا اقدامات لازم را برای محافظت از خود و اطرافیان‌شان انجام دهند.

۴. منافع بالقوه سواد مالی: شواهد تجربی نشان می‌دهد افرادی که دارای سطح بالاتری از سواد مالی هستند؛ بهتر از دیگران قادر به مدیریت پول، پیش‌بینی بازار سهام و انجام انتخاب‌های بهتر هستند. همچنین سطح بالاتر سواد مالی ارتباط مستقیمی با مدیریت بدهی دارد و افراد دارای سواد مالی بالاتر، وام‌های کم‌هزینه‌تری را انتخاب می‌کنند و از پرداخت بهره بالا و پول اضافی اجتناب می‌کنند.

۵. اهمیت ثبات مالی و اقتصادی: مصرف‌کنندگان دارای سواد مالی می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌تری را بگیرند و خدمات دارای کیفیت بالاتری را تقاضا کنند که این امر موجب تقویت رقابت و نوآوری در بازار می‌گردد. این عوامل منجر به کارایی بیشتری در بخش خدمات مالی می‌گردد و احتمالاً هزینه کمتری را بخاطر الزامات مالی نظارتی و تنظیمی تحمیل می‌کند.

همچنین این عوامل می‌توانند به کاهش کمک‌های دولتی و اخذ مالیات برای کسانی که تصمیمات مالی غیرعقلانه‌ای گرفته‌اند یا اصلاً تصمیمی نگرفته‌اند؛

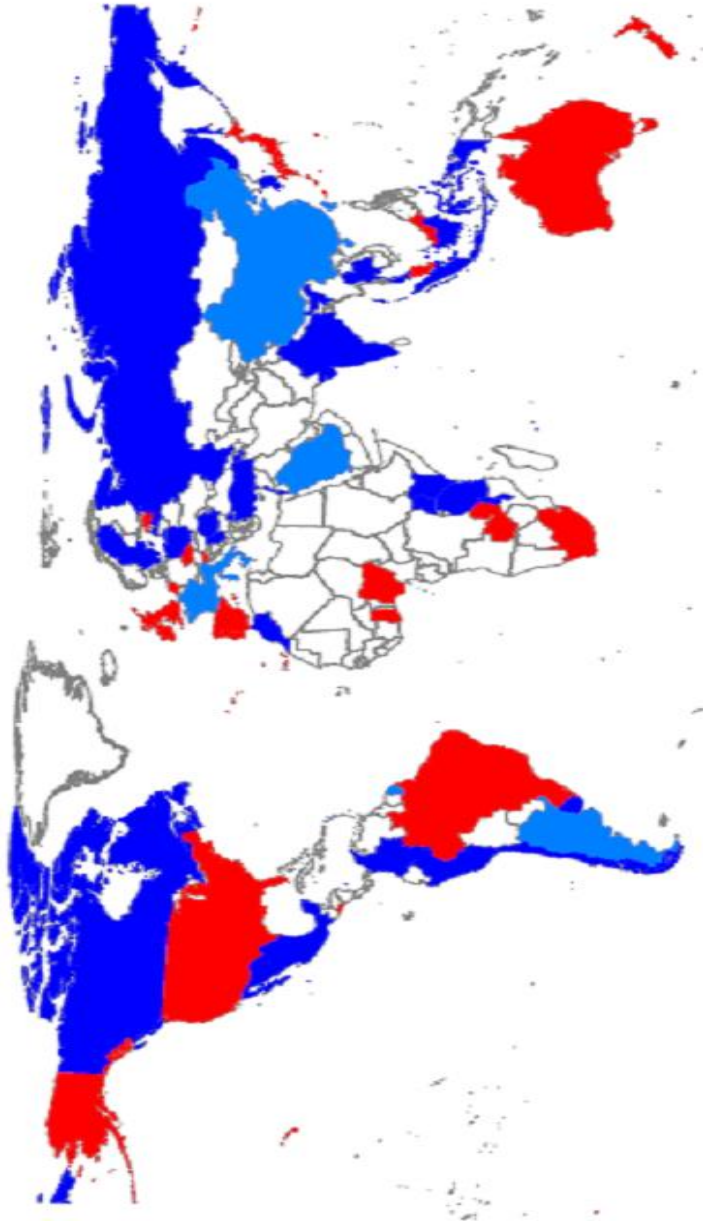
کمک کنند (PISA, 2012, pp. 7-8).

۲-۳. وضعیت توجه به سواد مالی در کشورهای مختلف دنیا

در بسیاری از کشورهای دنیا، اثرات سطح پایین سواد مالی در میان اکثریت مردم موجب شده که دولت اقداماتی را انجام دهد. مخصوصاً پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، بسیاری از کشورها متوجه شدند که سواد مالی موجب مقاوم شدن اقتصاد آن کشورها از آسیب‌های ناشی از بحران‌های مالی می‌شود؛ لذا به طراحی استراتژی‌های ملی در حوزه آموزش مالی شخصی و ارتقای سواد مالی مردم کشور خود پرداختند (OECD, 2013, p. 11).

«سازمان توسعه و همکاری اقتصادی» کشورهای دنیا را به چهار دسته تقسیم می‌کند که در شکل زیر این تقسیم‌بندی نشان داده شده‌اند:

- دسته اول که با رنگ قرمز نشان داده شده‌اند؛ کشورهایی هستند که استراتژی ملی ارتقای سواد مالی مردم خویش را طراحی و اجرا نموده‌اند.
- دسته دوم که با رنگ آبی پررنگ نشان داده شده‌اند؛ کشورهایی هستند که استراتژی ملی ارتقای سواد مالی مردم خویش را طراحی کرده‌اند و به دنبال اجرایی کردن آن می‌باشند.
- دسته سوم که با رنگ آبی کم‌رنگ نشان داده شده‌اند؛ کشورهایی هستند که به این حوزه توجه دارند و متوجه ضرورت‌های ارتقای سواد مالی مردم خود هستند و به دنبال طراحی استراتژی ملی ارتقای سواد مالی مردم خویش می‌باشند.
- دسته چهارم که با رنگ سفید نشان داده شده‌اند؛ کشورهایی هستند که هنوز ضرورت پرداختن به آموزش مالی شخصی را درک نکرده‌اند و اقدام قابل توجهی نیز در این حوزه انجام نداده‌اند (OECD, 2013, p. 19).



شکل (۱). وضعیت توجه به سواد مالی در کشورهای مختلف دنیا

مأخذ: OECD, 2013, p.11

متأسفانه در این میان، کشورهایی مانند ایران علی‌رغم مشکلات متعدد اقتصادی به این حوزه بی‌توجه هستند و هیچگونه استراتژی خاصی را برای ارتقای سواد اقتصادی و مالی مردم خویش طراحی نکرده‌اند. نتیجه چنین وضعی بر رشد اقتصادی کشوری که متکی بر سرمایه انسانی خویش می‌باشد؛ معلوم است. چرا که فرد لاجرم در مقام یک عضو خانواده، نیروی کار، شهروند، مسئول در عرصه اجتماعی، مصرف‌کننده، تولیدکننده کالا و خدمات، پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار و در بستری از انواع شاکله‌های جمعی و فردی مانند فرهنگ کار، فرهنگ مصرف، فرهنگ اتخاذ تصمیم‌های بهینه، فرهنگ هزینه - فایده، فرهنگ استفاده بهینه و کارا از منابع، فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ تعامل با محیط انسانی و فیزیکی اطراف از جمله محیط زیست و ده‌ها بستر فرهنگی دیگر قرار می‌گیرد و برآیند رفتارهای جمعی در چنین فضایی است که موجبات رشد یا انحطاط ملتی را فراهم می‌آورد (پیغامی، ۱۳۹۰).

ایالات متحده کشوری است که در میان کشورهای مختلف دنیا، بیشترین فعالیت را در حوزه ارتقای سواد مالی مردم انجام داده است. به نظر نگارنده مهمترین دستاورد تلاش‌های ایالات متحده در این زمینه، طراحی، اجرا و ارزیابی استانداردهای محتوایی در این حوزه است. قبل از بررسی پیشینه استانداردهای محتوایی در ایالات متحده لازم است؛ توضیحاتی درباره مفهوم استانداردهای محتوایی و واژه‌های دیگر به کار رفته در این حوزه داده شود.

۲-۴. مفهوم استانداردهای محتوایی

«استانداردهای محتوایی»^۱ دانش و مهارت‌هایی را شرح می‌دهد که دانش‌آموزان باید آن را در مقاطع مختلف تحصیلی کسب کنند. اغلب در توضیح استانداردهای محتوایی گفته می‌شود که دانش‌آموزان چه چیزهایی را بدانند و قادر به انجام چه کارهایی باشند. به عبارت دیگر، استانداردهای محتوایی گزاره‌هایی کلی هستند که دانش و مهارت-هایی را تعیین می‌کنند که دانش‌آموزان باید در هر یک از پایه‌های پیش‌دبستانی تا

دوازدهم کسب کنند. این استانداردها نمایانگر شیوه‌های فکر کردن، کار کردن، ارتباط برقرار کردن، استدلال کردن و بررسی کردن ایده‌ها، مفاهیم، موضوعات، مسائل دشوار و دانش مهم و ماندگاری است که برای تربیت ضروری می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۳، ص ۶). هر استاندارد با مجموعه‌ای از «معیارها» همراه می‌شود. هر معیار، عنصر خاصی از دانش و مهارت تعریف شده برای یک استاندارد محتوایی است.

به طور کلی، معیارها اهداف یادگیری را در هر مقطع تحصیلی ارائه می‌دهند و تنها با فهم همه معیارهاست که فهم کلی از موضوع یا استاندارد مورد نظر تکمیل می‌گردد. اگر افراد به یک معیار به صورت فردی و ایزوله بنگرند، بدون این‌که نگاهی به ارتباط آن معیار با معیارهای سطوح قبل و بعدش بیندازند؛ هرگز قادر به درک ارتباط این معیارها که مانند بلوک‌های مختلف یک ساختمان برای استانداردها عمل می‌کنند؛ نخواهد بود. در واقع معیارها، استانداردها را به قطعات کوچکی از دانش و اطلاعات که با یک نظم زنجیری به هم پیوسته و در سطوح مختلف ارائه می‌شوند؛ تقسیم می‌کنند (طغیانی، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

۲-۵ پیشینه استانداردهای محتوایی سواد مالی

پس از روی کار آمدن «رونالد ریگان»^{۱۰}، محافظه‌کاران در آمریکا به قدرت بیشتری رسیدند. در آن دوران بحث‌هایی توسط محافظه‌کاران صورت گرفت که چگونه آموزش عمومی مورد ارزیابی قرار گیرد و تلاش‌هایی برای متمرکز ساختن آموزش و ارزیابی در مدارس صورت گرفت. در ۲۶ آگوست ۱۹۸۱، «ترل بل»^{۱۱}، وزیر آموزش و پرورش دولت ریگان «کمیسیون ملی برای اعتلای آموزش و پرورش»^{۱۲} را تشکیل داد و این کمیسیون را مأمور بررسی و آسیب‌شناسی وضعیت تعلیم و تربیت در آمریکا و ارائه پیشنهاداتی برای ارتقای کیفیت آن ظرف مدت ۱۸ ماه پس از تشکیل اولین جلسه آن کرد. این کمیسیون در سال ۱۹۸۳ گزارشی را تحت عنوان «ملتی در خطر»^{۱۳} منتشر کرد (The National Commission on Excellence in Education, 1983, p. 1).

در این گزارش عنوان شده بود که برای نخستین بار پیشتازی آمریکا در اقتصاد و صنعت، علوم و فناوری در جهان در مواجهه با رقبای قدرتمند مورد تهدید قرار گرفته، لذا سعادت، امنیت و حیثیت جامعه آمریکا در معرض خطر قرار گرفته است. این خطر به علت آن است که برنامه‌های درسی و آموزشی مدارس به گونه محسوسی افت کرده و به سمت متوسط تنزل یافته است (طغیانی، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

به دنبال انتشار این گزارش، فشارها برای اعمال تغییراتی در مدارس افزایش یافت و در نهایت منجر به اصلاحات مبتنی بر استانداردها گردید. در سال ۱۹۹۴، قانونی تحت عنوان «قانون اهداف ۲۰۰۰ آموزش آمریکا»^{۱۴} به تصویب رسید. این قانون همه ایالت‌ها را تشویق به تولید استانداردهای علمی برای همه دانش‌آموزان می‌کرد و بسیاری از سازمان‌ها را بر آن داشت که به نگارش استانداردهای محتوایی ملی برای راهنمایی مدارس آمریکا بپردازند (Klemme, 2002, p. 1).

تشکیل «ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی» در اواخر سال ۱۹۹۵ را می‌توان نقطه عطفی در حوزه آموزش سواد مالی دانست. ائتلاف جامپ استارت، سازمانی غیرانتفاعی می‌باشد که خود متشکل از سازمان‌هایی است که همگی به دنبال ارتقای سواد مالی بین دانش‌آموزان مقاطع پیش‌دبستانی تا کالج هستند. در حال حاضر در این ائتلاف حدود ۱۵۰ سازمان مشارکت دارند که این سازمان‌ها از بخش‌های مختلفی مانند سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌های آکادمیک و ... تشکیل شده‌اند (مرادی، ۱۳۹۳، ص ۵۲).

در سال ۱۹۹۷، ائتلاف جامپ استارت ویرایش اول الگوی سواد مالی خویش را تحت عنوان «استانداردهای ملی در مالی شخصی»^{۱۵} را ارائه نمود و پنج سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۲ ویرایش دوم این الگو را ارائه کرد. این الگو شامل چهار استاندارد «درآمد»^{۱۶}، «مدیریت پول»^{۱۷}، «خرج کردن و پرداخت مؤجل»^{۱۸} و «پس‌اندازها و

سرمایه‌گذاری^{۱۹} بود که معیارهای آن در سه مقطع تحصیلی پیش‌دبستانی تا پایه ۴، پایه ۵-۸ و پایه ۹-۱۲ ارائه شد.

در سال ۲۰۰۷، ائتلاف جامپ استارت ویرایش سوم استانداردهای سواد مالی خود را تحت عنوان «استانداردهای ملی آموزش مالی شخصی در پیش‌دبستانی تا پایه دوازدهم»^{۲۰} منتشر کرد. این الگو شامل شش استاندارد «مسئولیت مالی و تصمیم‌گیری»^{۲۱}، «درآمد و حرفه‌ها»^{۲۲}، «برنامه‌ریزی و مدیریت پول»^{۲۳}، «پرداخت موجل و بدهی»^{۲۴}، «مدیریت ریسک و بیمه»^{۲۵} و «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری»^{۲۶} بود که معیارهای آن نیز در سه مقطع تحصیلی پیش‌دبستانی تا پایه ۴، پایه ۵-۸ و پایه ۹-۱۲ ارائه شد.

مهمترین سازمان عضو ائتلاف جامپ استارت، «شورای تربیت اقتصادی» است. این شورا سازمانی پیشرو در ایالت متحده آمریکا است که بر آموزش اقتصادی و مالی دانش‌آموزان از مقطع پیش‌دبستانی تا پایان دبیرستان متمرکز است و سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش حوزه اقتصاد و مالی شخصی را برعهده دارد. در سال ۲۰۱۳ این شورا است به تدوین استانداردهای محتوایی سواد مالی پرداخت و الگویی را تحت عنوان «استانداردهای ملی برای سواد مالی»^{۲۷} منتشر کرد. این الگو که آخرین و کامل‌ترین الگوی ارائه شده در حوزه سواد مالی است؛ به سامان‌دهی الگوهای پیشین پرداخته و شامل شش استاندارد «کسب درآمد»^{۲۸}، «خرید کالاها و خدمات»^{۲۹}، «پس‌انداز»^{۳۰}، «استفاده از پرداخت موجل»^{۳۱}، «سرمایه‌گذاری مالی»^{۳۲} و «محافظت و بیمه»^{۳۳} می‌باشد که معیارهای آن در سه مقطع تحصیلی پیش‌دبستانی تا پایه ۴، پایه ۵-۸ و پایه ۹-۱۲ ارائه شده است. شش استاندارد ارائه شده در این الگو، داربست بدنه دانش و مهارت‌هایی هستند که باید در برنامه ارتقای سواد مالی شامل شوند. هر استاندارد بیانی جامع از محتوا است که با چندین معیار متناسب با مقطع تحصیلی دانش‌آموزان همراه شده است.

در ادامه با رویکردی اسلامی به نقد این الگو که در واقع به منظور سامان‌دهی الگوهای قبلی تهیه شده است؛ خواهیم پرداخت.

۳. روش تحقیق

مطالعه تحلیلی غالباً در دو مرحله انجام می‌شود: فهم و نقد. اصل تقدم فهم بر نقد، اهمیت پرداختن به فهم دقیق یک دیدگاه قبل از نقد آن را نشان می‌دهد. هدف تحلیل مفهوم، بازشناسی مفاد آن با رفع ابهام و تیرگی است. رفع ابهام و تیرگی به معنای جستجو از وضوح و تمایز مفهوم است. یعنی تلاش برای تصور مفهوم به گونه‌ای که هر آنچه از آن شیء است، به آن نسبت دهیم و هر آنچه از آن شیء نیست؛ از آن سلب کنیم. برحسب این روش، باید مفاهیم را با سؤال طلایی «یعنی چه؟» به مؤلفه‌ها تجزیه کنیم و مفاهیم سازنده را با همان سؤال طلایی مورد تحلیل قرار دهیم؛ به گونه‌ای که به مفهوم واضح و متمایزی دست یابیم (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۱، صص ۲۵۳-۲۵۴).

هر گزاره الگوی متعارف سواد مالی، بر مقدمات و مبانی مختلفی استوار است. روی آورد تحلیلی، به تحلیل ساختار گزاره و مفاهیم آن حصر توجه نمی‌کند؛ بلکه فراتر از آن، به جستجو از مبانی گزاره می‌پردازد. اینکه هر گزاره بر چه مفاهیم بنیادی (مبادی تصوری) و چه گزاره‌های پایه‌ای (مبادی تصدیقی) استوار است. تحلیل مبادی تصوری و تصدیقی، یکی از راه‌های فهم و نقد هر نظریه‌ای است.

به منظور نقد این الگو، ابتدا با جستجو در منابع مختلف دینی، مقالات مرتبط با اقتصاد اسلامی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، ملاک‌هایی را که در آموزه‌های دینی دارای اهمیت زیادی است؛ برای نقد خود انتخاب می‌کنیم و سپس براساس هر ملاک، به نقد موضوعی الگوی متعارف سواد مالی بپردازیم. در نهایت تلاش خواهیم کرد تا جنبه‌های تشابهات، تمایزات و نیز نواقص معیارهای مرتبط با هر ملاک را با

مبانی و گزاره‌های دینی مشخص کنیم تا گام بلندی برای طراحی الگوی اسلامی تربیت مالی برداشته باشیم.

۴. ملاک‌های نقد الگوی متعارف سواد مالی با رویکرد اسلامی

پس از مشورت با برخی از اساتید حوزه‌ی اقتصاد اسلامی، برای انتخاب ملاک‌های نقد الگوی متعارف سواد مالی گام‌های زیر برداشته شد:

- مطالعه مقالات مرتبط با اقتصاد اسلامی به منظور آشنایی با اصولی که در این حوزه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند و استخراج کلیدی‌ترین اصول بحث شده که گستره وسیعی از ادبیات اقتصاد اسلامی را شامل گردد.
- مطالعه منابع دینی به منظور عمق بخشی به فهم اصول کلیدی استخراج شده از مقالات اقتصاد اسلامی.
- مطالعه اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی و بررسی کارشناسانه به منظور انتخاب اصولی که بیشترین ارتباط را با نیازهای جامعه دینی امروز دارند و قرار دادن آن اصول به عنوان ملاک‌های نقد الگوی متعارف سواد مالی.

در پایان، ۱۰ ملاک مهم زیر را به عنوان کلیدی‌ترین اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی و مرتبط با نیازهای جامعه دینی امروز به عنوان ملاک‌هایی جهت نقد الگوی متعارف سواد مالی انتخاب نمودیم:

۱. اصل ربوبیت الله و جاری شدن قضا و قدر الهی از مسیر اسباب و علل؛
۲. اصل مالکیت حقیقی خداوند و اعتباری و ظلی بودن مالکیت انسان؛
۳. اصل هدفداری خلقت جهان و انسان؛
۴. اصل خلافت الهی انسان و مأموریت وی به عمران زمین؛
۵. اصل مواسات؛
۶. اصل نکوهش قرض گرفتن غیر نیازمند، ستایش قرض‌الحسنه دادن و امهال معسر؛

۷. اصل پرهیز از کنز مال؛

۸. اصل رزق‌دهی خداوند و سنت‌های حاکم بر آن؛

۹. اصل توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی؛

۱۰. اصل قوام در مصرف.

۵. نقد الگوی متعارف سواد مالی بر اساس ملاک‌های اقتصاد اسلامی

در این بخش به تحلیل انتقادی الگوی متعارف سواد مالی بر اساس ۱۰ ملاک اصلی ذکر شده در اقتصاد اسلامی خواهیم پرداخت:

۵-۱. ربوبیت الله و جاری شدن قضا و قدر الهی از مسیر اسباب و علل

تدبیر و اداره همه امور موجودات عالم منحصر به خداوند است (سجده، ۵). در عین حال، رابطه علی بین پدیده‌ها و اجزای جهان برقرار می‌باشد و فیض الهی و قضا و قدر حق تعالی از مسیر اسباب و علل در جهان ساری و جاری می‌شود (فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

در مورد انسان، خداوند هدایت تکوینی او را با هدایت تشریحی‌اش به وسیله پیامبران همراه و همگام کرده است که از مسیر حق منحرف نشود و به مقصد برسد (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۴۵).

علاوه بر سنت عام هدایت فطری و تشریحی، خداوند برای تحول و حرکت مناسب آدمی به سوی کمال، سنت‌هایی همچون ابتلا و آزمایش، استدراج و امهال بر گستره زندگی انسان حاکم کرده است (فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

جدول (۱): اصل اول: ربوبیت الله و جاری شدن قضا و قدر الهی از مسیر اسباب و علل

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
کسب درآمد، پایه ۴، معیار ۴	مردم با قرض دادن پولشان به دیگران می توانند درآمد بهره ای دریافت کنند.	یکی از راه های کسب درآمد رباخواری معرفی شده که با برنامه تشریحی هدایت انسان مغایرت دارد. در اینجا به پیامدهای رباخواری توجهی نشده است؛ در حالی که طبق سنت الهی این امر موجب هلاکت جامعه می گردد (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۷).
محافظت و بیمه، پایه ۴، معیار ۱	ریسک، شانس آسیب یا زیان دیدن می باشد.	در اینجا حوادث زندگی انسان ناشی از شانس و اتفاق تلقی شده است؛ در حالی که در نگاه اسلامی، هیچ امری شانسی و اتفاقی نیست و همه امور طبق قضا و قدر الهی رخ می دهد.
محافظت و بیمه، پایه ۴، معیار ۲	ریسک ناشی از تصادفات و حوادث غیرمنتظره، بخشی اجتناب ناپذیر از زندگی روزانه است.	همچنین در نگاه اسلامی، اعمال و افعال بشر جزء سلسله حوادثی است که سرنوشت حتمی و تخلف ناپذیر ندارند. به عنوان مثال در روایت داریم: «اللُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَامًا» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۹).

نتیجه گیری: نوع نگاه به حوادث زندگی تأثیر زیادی در طراحی الگوهای تربیتی دارد. در الگوی متعارف سواد مالی فرض شده که بسیاری از حوادث زندگی انسان ناشی از شانس و تصادف است و این امور اجتناب ناپذیر هستند؛ در حالی که در نگاه اسلامی، همه حوادث عالم، طبق قضا و قدر الهی رخ می دهند و حوادث زندگی انسان نیز اجتناب ناپذیر نیستند و با انجام کارهایی مانند دعا کردن، صدقه دادن، اجتناب از گناهان و ... می توان از بسیاری از این حوادث اجتناب کرد. همچنین برخلاف نگاه اسلامی که معتقد به ربوبیت الله و هدایت تشریحی اوست؛ در «الگوی متعارف سواد مالی» ربوبیت خداوند کاملاً نادیده گرفته می شود و در طراحی استانداردهای تربیتی، سنن الهی برای تدبیر امور انسانها و تربیت آنان لحاظ نمی شود.

۵-۲. مالکیت حقیقی خداوند و اعتباری و ظلی بودن مالکیت انسان

مالکیت در اسلام به معنای اختیار تام داشتن، نیست. البته اسلام قائل به مالکیت خصوصی انسان‌ها هست ولی مالکیت آنان در ظل مالکیت خداست و انسان امانت‌دار اوست و در مقابل اموال خود مسئولیت دارد. لذا باید آنگونه که خداوند می‌خواهد از اموال خود استفاده کند.

جدول (۲): اصل دوم: مالکیت حقیقی خداوند و اعتباری و ظلی بودن مالکیت انسان

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
کسب درآمد، پایه ۴، معیار ۵	مردم می‌توانند به وسیله اجاره دارایی‌شان به دیگر مردم، درآمد کسب کنند.	در اینجا مالکیت به معنای اختیار تام داشتن انسان در اموالش، مشهود است. در حالی که به عنوان مثال، طبق دستور فقهی اسلام، کودکان، افراد سفیه و محجورین حق اجاره دادن دارایی‌های خویش را ندارند (شرح لمعه، ج ۴، ص ۱۳). یا مثلاً طبق روایت صفوان جمال، کسی حق ندارد اموال خود را ولو برای عملی مانند حج، به ظالمی اجاره دهد و درآمد کسب کند (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۹).
استفاده از پرداخت مؤجل، پایه ۴، معیار ۱	دلیل این امر را توضیح دهند که چرا زمانی که یک شخص ۱۰۰ دلار برای خرید یک تلفن جدید قرض می‌گیرد؛ او باید در زمان آینده، بیش از ۱۰۰ دلار پرداخت کند.	خداوند مالک حقیقی اموال است و به افراد اجازه نداده که در قرض دادن، بیش از مقدار قرض داده شده را مطالبه کنند. لذا این معیار با ملاک بیان شده مغایرت دارد.

نتیجه‌گیری: در «الگوی متعارف سواد مالی» مالکیت به معنای اختیار تام فرض شده است؛ درحالی که در نگاه اسلامی، خداوند مالک حقیقی همه اموال است و این اموال به انسان به عنوان امانت داده شده است تا طبق فرامین الهی مصرف شود.

۳-۵. هدفداری خلقت جهان و انسان

هدف نهایی آفرینش انسان، عبودیت کامل است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق، نیندیشد، جز در راه او گام بر ندارد و هرچه را غیر اوست فراموش کند، حتی خویشتن را، و خداوند برای رسیدن به این هدف، میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده و نتیجه نهایی‌اش نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت او است (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۰۰).

جدول (۳): اصل سوم: هدفداری خلقت جهان و انسان

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
پس‌انداز، پایه ۸ معیار ۸	مردم مختلف به دلایل متفاوتی از جمله خریدهای بزرگ (مانند تحصیلات بالاتر، اتومبیل‌ها و خانه‌ها)، بازنشستگی و اتفاقات غیرمنتظره پس‌انداز می‌کنند. انتخاب‌های مردم درباره اینکه چه مقدار پس‌انداز کنند و برای چه چیزی پس‌انداز کنند؛ مبتنی بر سلیقه‌ها و ترجیحات آنان می‌باشد.	در نگاه اسلامی، شخص نمی‌تواند هر هدف پس‌اندازی که خودش خواست؛ انتخاب کند و برای آن پس‌انداز کند. بلکه هدف پس‌انداز او باید در راستای رسیدن به تکامل فردی و اجتماعی و رسیدن به قرب الهی باشد. اما این الگو معتقد است؛ افراد مبتنی بر سلیقه و ترجیحاتشان می‌توانند هدف پس‌انداز خود را انتخاب کنند

نتیجه‌گیری: در جهان‌بینی اسلامی، هدف زندگی انسان در این دنیا را خداوند تعیین کرده و آن تکامل فردی و اجتماعی انسان و رسیدن به قرب الهی است. لذا هر الگوی تربیتی و از جمله الگوی تربیت مالی نیز باید در راستای وصول انسان به این هدف

باشد و بتواند زمینه لازم را برای تکامل پایدار انسان به طور فردی و اجتماعی فراهم آورد. اما الگوی متعارف سواد مالی نسبت به این واقعیت بی توجه است. پیش فرض این الگو آن است که هرکس باید خود هدف زندگی خویش را مشخص کند و اصلاً این امر را مورد توجه قرار نمی دهد که هدفی که فرد برای زندگی اش در نظر می گیرد؛ در راستای تکامل او و جامعه هست یا خیر.

۵-۴. خلافت الهی انسان و مأموریت وی به عمران زمین

خداوند، انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود بر روی زمین معرفی می کند (بقره، ۳۰) و به او مأموریت داده است که به عمران و آبادانی زمین بپردازد (هود، ۶۱).

جدول (۴): اصل چهارم: خلافت الهی انسان و مأموریت وی به عمران زمین

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
کسب درآمد، پایه ۴، معیار ۷	کارآفرینان مردمی هستند که کسب و کار جدیدی را شروع می کنند. آغاز یک کسب و کار برای کارآفرینان دارای ریسک است زیرا آنها نمی دانند که آیا کسب و کار جدیدشان موفقیت آمیز خواهد بود و سودی کسب خواهند کرد یا خیر.	کارآفرینی چنانچه در موضوع درستی صورت پذیرد؛ موجب آبادانی زمین می شود و در جامعه اسلامی نیز باید مورد تأکید زیادی قرار گیرد و تلاش زیادی صورت گیرد تا کارآفرینان مؤمن و متعهد به عنوان الگوهای موفق اقتصادی و مالی در جامعه مطرح شوند.
کسب درآمد، پایه ۴، معیار ۵	انواع مختلفی از دارایی ها را (مانند آپارتمان ها، اتومبیل ها یا ابزارها) شناسایی کنند که مردم مالک آنها هستند و	در اینجا به این موضوع پرداخته نمی شود که این دارایی ها چه منفعتی برای اجاره کننده به همراه دارد. آیا این منافع در جهت عمران و آبادانی زمین قرار دارد یا خیر. در الگوی اسلامی باید در

<p>کنار این گزاره‌ها، به این موضوع نیز پرداخته شود که هر یک از دارایی‌ها چه منفعی را برای اجاره کننده به همراه دارد. اهمیت این مطلب به گونه‌ای است که طبق فقه شیعه، یکی از شرایط صحت عقد اجاره، معلوم بودن منفعت مقصود از اجاره عنوان می‌شود (شرح‌لمعه، ج ۴، ص ۱۳)، همچنین در فقه شیعه آمده که منفعت مورد اجاره باید شرعاً مباح باشد (شرح‌لمعه، ج ۴، ص ۳۳).</p>	<p>اجاره‌بهاء پرداخت می‌شود.</p>	
---	----------------------------------	--

نتیجه‌گیری: الگوهای تربیت مالی باید در راستای آگاهی انسان از ثمرات آبادانی زمین و تشویق انسان به انجام فعالیت‌هایی در این راستا باشد. الگوی متعارف سواد مالی اگرچه گزاره‌هایی در راستای این مأموریت دارد ولی کامل نیست و بسیاری از جنبه‌های مهم این مأموریت مورد توجه قرار نگرفته است.

۵-۵. مواسات

همه انسان‌ها موظفند به اصل مواسات پایبند باشند و به اندازه وسعشان در رفع نیازهای دیگران اقدام کنند. یعنی فرد باید دیگران را در مال خویش شریک قرار دهد تا آنجا که هرگونه خود از مال خویش استفاده و در آن تصرف می‌کند؛ دیگری نیز چنین باشد (الحيات، ج ۵، ص ۱۵۶).

جدول (۵): اصل پنجم: مواسات

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
خرید کالاها و خدمات، پایه ۱۲، معیار ۱	تصمیم‌های مصرف‌کننده توسط قیمت یک کالا یا خدمت، قیمت گزینه‌های جایگزین، و درآمد مصرف‌کننده و نیز ترجیحاتش تحت تأثیر قرار می‌گیرد.	در نگاه اسلامی باید وضعیت جامعه و اصل مواسات نیز در تصمیم‌گیری‌های مصرف‌کننده لحاظ شود. به عنوان مثال در جامعه‌ای که بسیاری از جوانان قادر به تهیه مسکن کوچکی نیز نیستند و لذا از ازدواج خودداری می‌کنند؛ شخص هر چند با پول حلال خویش، حق ندارد برای خود کاخی وسیع بنا کند.

نتیجه‌گیری: مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های خود باید وضعیت جامعه و اصل مواسات را رعایت کنند و در حد وسع خویش در رفع نیازهای جامعه بکوشند.

۵-۶. نکوهش قرض گرفتن غیر نیازمند، ستایش قرض الحسنه دادن و امهال معسر

قرض گرفتن برای افراد غیرنیازمند و نیز به منظور برآوردن نیازهای غیرضروری مذموم است. در روایت نیز آمده که افراد مؤمن باید از بدهکاری بپرهیزند چون آفت دین‌شان است (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۷). از طرفی در آموزه‌های اسلامی تأکید زیادی بر قرض الحسنه دادن به نیازمندان شده است و حتی فضیلت این عمل، بیش از صدقه دادن شمرده شده است. همچنین در قرآن کریم بر این مطلب تأکید شده است که اگر قرض گیرنده گرفتار سختی و تنگ‌دستی باشد؛ قرض‌دهنده باید به او مهلت دهد تا فراخ‌دست شود (بقره، ۲۸۰).

جدول (۶): اصل ششم: تکوین قرض گرفتن غیر نیازمند، ستایش قرض الحسنه دادن و امهال معسر

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
استفاده از پرداخت مؤجل، پایه ۴، معیار ۳	با استفاده از پرداخت مؤجل برای خرید کالاهای بادوام -مانند: اتومبیل‌ها، خانه‌ها و دستگاه‌ها- مردم در حالی که در حال پرداخت پول آنها هستند؛ قادر به استفاده از آن کالاها هستند.	طبق نگاه اسلامی، خرید اقساطی کالاهای غیرضروری مذموم است. همچنین از افراد غیرنیازمند نیز خواسته شده که از قرض گرفتن بپرهیزند. ولی در این الگو، این مطلب مورد توجه قرار نگرفته است.
استفاده از پرداخت مؤجل، پایه ۴، معیار ۱	بهره، قیمتی است که قرض‌گیرنده بخاطر استفاده از پول شخص دیگر می‌پردازد.	در این الگو حتی اشاره‌ای به قرض الحسنه نشده است و همیشه قرض دادن به همراه دریافت بهره مطرح می‌شود.
استفاده از پرداخت مؤجل، پایه ۱۲، معیار ۸	عدم موفقیت در بازپرداخت یک وام، پیامدهای قابل توجهی برای قرض‌گیرندگان دارد از جمله: ثبت موارد منفی در گزارش پرداخت مؤجلی آنان، تصرف دارایی (وثیقه)، توقیف دستمزدها و ناتوانی در بدست آوردن وام‌ها در آینده.	در این الگو برخلاف نگاه اسلامی، نه تنها به بدهکار تنگدست مهلتی داده نشده، بلکه تنبیهاتی نیز بخاطر عدم توانایی بازپرداخت وامش، در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری: گاهی اوقات افراد نیازمند برای برطرف کردن نیازهای اساسی خود می‌تواند از دیگران قرض بگیرند ولی این که انسان به قرض گرفتن به عنوان یک اصل برای زندگی خویش و بهره‌مندی هرچه بیشتر و آزمندانه از کالاها و خدمات بنگرد؛ امر مذمومی است.

این مطلب در الگوی متعارف سواد مالی لحاظ نشده است و حتی یکی از استانداردهای این الگو به «استفاده از پرداخت مؤجل» اختصاص داده شده است. از طرفی در این الگو حتی اشاره‌ای نیز به قرض الحسنه نشده است و همیشه قرض دادن

به همراه دریافت بهره به کار رفته است. همچنین بر خلاف نگاه اسلامی که گره مشکل بدهکار تنگدست با مهلت دادن وی و دستگیری مردم حل می‌شود؛ در نگاه «الگوی متعارف سواد مالی»، این شخص بخاطر تنگدست بودن در بازپرداخت وامش باید تنبیه شود، از بسیاری از حقوق محروم گردد و کرامت انسانی او زیر پا گذاشته شود.

۵-۷. پرهیز از کنز مال

هرچه زائد بر مقدار ضرورت و مخارج واجب باشد؛ کنز است و باید در راه خدا انفاق شود و اگر کسی با وجود احتیاج به هزینه درباره حوائج ضروری‌اش، سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد؛ چون او خود را بر خدایش مقدم داشته و احتیاج موهوم و احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است (تفسیرالمیزان، ذیل آیه ۳۴ توبه).

جدول (۷): اصل هفتم: پرهیز از کنز مال

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
محافظة و بیمه، پایه ۴، معیار ۴	یک شیوه برای فائق آمدن بر زیان‌های غیرمنتظره، پس‌انداز کردن برای امور اضطراری است.	در نگاه اسلامی، انسان نباید برای ترس از حوادث غیرمترقبه‌ای که ممکن است در آینده گرفتار آن شود؛ از هم اکنون پول‌های کلانی را در حساب‌های پس‌انداز خود، عاطل بگذارد و کنز کند. بلکه در مورد این امور باید به خدا توکل کند و با انجام کارهایی نظیر دعا و صدقه از بسیاری از این حوادث اجتناب کند.

نتیجه‌گیری: در نگاه اسلامی ما اصل بیمه شدن در برابر حوادث غیرمنتظره را نفی نمی‌کنیم ولی ترس از این نوع حوادث نباید منجر به کنز مال و عاطل ماندن آن در حساب‌های پس‌انداز شود.

در واقع ما با این رویکرد الگوی متعارف سواد مالی مخالفیم که تنها راه مقابله با حوادث غیرمترقبه را پس‌اندازهای احتیاطی، بیمه کردن، گارانتی و برنامه‌های حمایتی دولت معرفی می‌کند. بلکه این حوادث طبق قضا و قدر الهی است و باید با توکل بر خدا و اعمالی مانند دعا کردن، صدقه دادن، اجتناب از گناهان، صلح‌رحم و... با این حوادث مقابله کرد.

۵-۸. رزق‌دهی خداوند و سنت‌های حاکم بر آن

روزی دادن از افعال مختص خداوند است و غیر از او روزی دهنده‌ای نیست و حقی است که خداوند بر خود واجب نموده است (المیزان، ج ۱۰، ص ۲۰۹).

البته تعهد و ضمانت الهی و رزاقیت و روزی‌رسانی که به خداوند نسبت می‌دهیم؛ با تعهدات و ضمانت‌های انسانی یکسان نیست. چون خداوند آفریننده این نظامات و مخلوقات است؛ تعهد او با تعهد مخلوقی که جزئی از همین نظام و تحت تأثیر موجودات این نظام است؛ متفاوت است. فعل خداوند جز به صورت همین نظامات نیست. لذا برای شناخت رزاقیت خدا، باید ببینیم که نظامات کلی جهان بر چه اصولی است و چگونه است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۵۰).

جدول (۸). اصل هشتم: رزق‌دهی خداوند و سنت‌های حاکم بر آن

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
کسب درآمد، پایه ۴، معیار ۲	زمانی که مردم توسط یک کارفرما برای کار در یک شغل استخدام می‌شوند؛ درآمد کسب می‌کنند.	در الگوی اسلامی باید این مطلب ذکر شود که اجیر شدن کراهت دارد و موجب دوری انسان از رزق و روزی‌اش می‌شود (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۴، ح ۳۶۵۶).
کسب درآمد، پایه ۸، معیار ۸	بررسی کنند چه چیزی موجب می‌شود که مردم کسب و کارهای خودشان را شروع کنند یا ارباب خودشان شوند.	نگارندگان این الگو با تجربیات خود به این نتیجه رسیده‌اند که چنانچه افراد اجیر نشوند و خود کسب‌وکار خویش را آغاز کنند؛ به منفعت بیشتری دست می‌یابند.

نتیجه‌گیری: این حقیقت که خداوند از طریق اسبابی در این نظام آفرینش، متکفل روزی بندگان خود شده است؛ باید در تربیت افراد جامعه مد نظر قرار گیرد. هرچند الگوی متعارف سواد مالی اعتقادی به رزاقیت خداوند و سنت‌های حاکم بر آن ندارد؛ ولی نگارندگان آن در برخی موارد، افراد را دعوت به رعایت اصولی می‌نمایند که طبق سنت الهی موجب افزایش رزق می‌گردد و دانشمندان غربی با تجربیات خود به این نتیجه رسیده‌اند که پایبندی به این موارد، منفعت بیشتری برای مردم به همراه دارد.

۹-۵. توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی

کل نظام خلقت براساس حق و عدل بنا شده است. (آل عمران: ۱۸) و بر این مبنا نظام‌های تشریحی و اعتباری نیز لازم است بر پایه عدل و قسط بنا شود.

به عنوان مثال، سهم‌بری افراد در تولید باید براساس میزان مشارکت آنان در این امر باشد و همچنین قیمت‌های کالاها و خدمات در اقتصاد باید در چارچوب اصول و معیارهای عدالت اجتماعی تعیین شود (عیوضلو، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

جدول (۹): اصل نهم: توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
کسب درآمد، پایه ۱۲، معیار ۵	دستمزد یا حقوق پرداختی به کارکنان در مشاغل، معمولاً توسط بازار کار تعیین می‌شود. به طور کلی کسب و کارها تمایل دارند که به کارکنان دارای بهره‌وری بالاتر، دستمزدها یا حقوق بالاتری نسبت کارکنان دارای بهره‌وری پایین‌تر دهند.	همیشه تفاوت درآمدها ناشی از تفاوت در بهره‌وری افراد نیست. ممکن است در بازار کار نارسایی‌هایی رخ دهد و بنخاطر عواملی مانند رانت، شایعه، احتکار و... قیمت‌ها و دستمزدها از حالت عادلانه خارج شوند. نقدی که به این الگو وارد است، آن است که به این نارسایی‌ها نمی‌پردازد.

نتیجه‌گیری: در هر الگوی تربیتی باید توجهی جدی به عدالت اقتصادی و اجتماعی شود ولی در «الگوی متعارف سواد مالی» به این موضوع توجه چندانی نشده است.

۵-۱۰. قوام در مصرف

مؤمنین باید در حوزه مصرف، موضعی قوامانه داشته باشند، اعتدال را رعایت کنند و از اسراف و اقتار دوری نمایند (فرقان، ۶۷).

جدول (۱۰): اصل دهم: قوام در مصرف

استاندارد و مقطع	معیارهای الگوی متعارف سواد مالی	نقد با رویکردی اسلامی
خرید کالاها و خدمات، پایه ۴، معیار ۲	فهرستی از کالاها و خدماتی را که با توجه به مجموعه قید بودجه‌ی معین می‌خواهند؛ تشکیل دهند، کالاها و خدمات را از بیشترین مطلوبیت تا کمترین آن رتبه‌بندی کنند و رتبه‌بندی‌شان را توجیه کنند.	در اینجا جز قید درآمدی، هیچ مانعی برای مصرف کالاها و خدمات ذکر نمی‌شود؛ در حالی که در نگاه اسلامی حتی اگر فرد ثروتمندترین انسان در زمین باشد؛ حق ندارد مصرف بخیلانه، مسرفانه، مبذرانه و مترفانه داشته باشد.

نتیجه‌گیری: در الگوی متعارف سواد مالی تنها دو قید برای مصرف هرچه بیشتر کالاها و خدمات معرفی می‌شود: مطلوبیت و قید بودجه. به عبارت دیگر این الگو به گونه‌ای دانش‌آموزان را تربیت می‌کند که گویا مجاز هستند طبق قید بودجه‌ی خود، هرگونه کالا یا خدماتی که خواستند؛ بخرند و یا هرگونه فعالیت تفریحی که خواستند؛ انجام دهند. در واقع معیار این الگو برای مصرف، آن چیزی است که طبق قید بودجه، نفس انسان بیشتر از آن لذت می‌برد یا به تعبیر این الگو مطلوبیت بیشتری برای او داشته باشد. در حالی که در نگاه اسلامی، مصرف باید در موضع قوام باشد و از مصارف بخیلانه، مسرفانه، مبذرانه و مترفانه پرهیز گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله با رویکردی اسلامی به نقد «الگوی متعارف سواد مالی» پرداختیم و برخی از نقاط تشابه و نیز تفاوت‌های این الگو با مبانی دینی را مشخص کردیم. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، فرضیه‌ی اصلی ما در این پژوهش این بود که الگوی متعارف سواد مالی، الگویی فردگرایانه است و به هویت‌های جمعی زندگی انسان کمتر توجه شده است؛ در حالی که در آموزه‌های اسلامی، در کنار هویت‌های فردی زندگی انسان، هویت‌های جمعی نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است. نکات مهمی در نقد این الگو

مطرح شد که فرضیه بیان شده را تأیید می نمود. به منظور جمع‌بندی نقد این الگو برخی از این نکات را بیان می‌کنیم:

در جهان‌بینی اسلامی، هدف زندگی انسان در این دنیا را خداوند تعیین کرده و آن تکامل فردی و اجتماعی انسان و رسیدن به قرب الهی است. اما الگوی متعارف سواد مالی چنین نگاهی به زندگی ندارد. در واقع پیش‌فرض این الگو، این است که هر شخصی باید خود هدف زندگی خویش را مشخص کند و انتخاب افراد مبتنی بر ترجیحات، سلايق و رضایت‌مندی شخصی‌شان است و حتی اشاره‌ای به رضایت‌مندی دیگر افراد جامعه نشده است. این امر نشانگر نگاه فردگرایانه حاکم بر این الگو است؛ در حالی که در نگاه اسلامی، در کنار هویت‌های فردی، هویت‌های جمعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

همچنین در نگاه اسلامی به شخصی که اموال خویش را کنز می‌کند و احتیاج احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری می‌دهد؛ وعده‌ی عذاب داده شده است ولی در نگاه این الگو، شخص می‌تواند برای حوادث پیش‌بینی نشده، اموال خویش را عاطل بگذارد و کنز کند؛ هرچند افراد زیادی در جامعه به این اموال بسیار محتاج باشند. این نکته نیز دلالت دیگری بر فردگرایانه بودن این الگو دارد.

همچنین توجه به عدالت اقتصادی و اجتماعی در این الگو بسیار کم‌رنگ است. و این الگو افراد را ترغیب به فعالیت‌هایی برای کسب درآمد مانند رباخواری می‌کند که کاملاً ناشی از خودخواهی و عدم توجه به امور دیگر افراد جامعه است.

اوج توجه اسلام به هویت‌های جمعی در قانون مواسات مشهود است. ولی در نگاه الگوی متعارف سواد مالی، این قانون هیچ جایگاهی ندارد. همچنین توضیح دادیم که برنامه‌ریزی اسلام در جهت دستگیری از بدهکاران تنگ‌دست جامعه است. شخص طلبکار موظف است به او مهلت دهد و افراد جامعه باید در جهت برطرف کردن

مشکلات او تلاش کنند و او را از این وضعیت نامساعد مالی نجات دهند. ولی الگوی متعارف سواد مالی، فقط منفعت شخصی طلبکار را می بیند و معتقد است باید بدهکاری که قادر به پرداخت بدهی خود نیست، تنبیه شود و از بسیاری از خدمات مالی و مزایای شغلی محروم گردد و حتی به ورشکستگی کشیده شود.

در پایان برخی از دلالت‌های تحلیل انتقادی الگوی متعارف سواد مالی را برای تدوین الگوی اسلامی تربیت مالی بیان می‌کنیم. پیشنهاد می‌شود که نکات مطرح شده، در طراحی الگوی اسلامی مورد توجه قرار گیرد تا با تدوین الگویی کارآمد، گام‌های مؤثری جهت سوق‌دهی افراد جامعه به سمت سبک زندگی مطلوب اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی برداشته شود:

- باید با نگاهی جامع به سنن الهی در تدبیر امور انسان‌ها و لحاظ این تکنولوژی‌های الهی در برنامه تربیتی، به طراحی الگوی اسلامی تربیت مالی پرداخت.
- در الگوی اسلامی باید مسئله مالکیت و حدود و ثغور آن به دقت تبیین گردد و با ساده‌انگاری غربی، مالکیت خصوصی به معنای اختیار تام داشتن انسان در تصرف تعریف نگردد.
- تمام گزاره‌های الگوی اسلامی باید در راستای تکامل فردی و اجتماعی انسان و قرب او به خداوند باشد.
- الگوی اسلامی باید در راستای آگاهی افراد به مأموریت الهی‌شان جهت عمران و آبادانی زمین و سوق دادن آنان به فعالیت‌هایی در این راستا باشد.
- الگوی اسلامی باید در کنار توجه به هویت‌های فردی، هویت‌های جمعی جامعه را نیز مدنظر قرار دهد و در این راستا با تبیین اصل مواسات به عنوان یک تکلیف دینی به تربیت افراد جامعه همت بگمارد.

- جایگاه دین، خرید اقساطی، شیوه برخورد با بدهکار و... در نگاه اسلامی باید به خوبی تبیین گردد تا همچون الگوی غربی، قرض گرفتن به عنوان شیوه مناسبی برای مصرف بدون پرداخت فوری بهای آن تلقی نگردد.
- الگوی اسلامی باید افراد را به پرهیز از کنز و عاطل گذاردن اموال سوق دهد تا پول در جامعه به جریان بیفتد و جامعه از رکود بیمه گردد.
- در این الگو باید سازوکار حاکم بر روزی‌دهی پروردگار به بندگان خویش، به خوبی تبیین گردد تا افراد سبک زندگی اقتصادی خود را مبتنی بر آن کنند.
- موضوع عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد باید در این الگو بسیار مورد تأکید قرار گیرد تا زمینه فعالیت‌های سالم اقتصادی در جامعه فراهم آید.
- در حوزه مصرف صرفاً به مباحثی مانند قید بودجه و رضایت‌مندی افراد توجه نشود؛ بلکه به بحث قوام در مصرف نیز توجهی جدی شود و افراد جامعه به پرهیز از مصارف بخیلانه، مسرفانه، مبدرانه و مترافنه سوق داده شوند.

یادداشت‌ها

1. Financial Literacy
2. The Organization for Economic Co-operation and Development
3. Vladimir Putin
4. Council for Economic Education
5. National Standards for Financial Literacy
6. Personal Finance
7. JumpStart Coalition for Personal Financial Literacy
8. Content Standards
9. Benchmarks
10. Ronald Reagan
11. Terrell bell
12. National Commission on Excellence in Education
13. A Nation at Risk
14. Goals 2000: Educate America Act
15. National Standards in Personal Finance
16. Income
17. Money Management

18. Spending and Credit
19. Savings and Investment
20. National Standards in K-12 Personal Finance Education
21. Financial Responsibility and Decision Making
22. Income and Careers
23. Planning and Money Management
24. Credit and Debt
25. Risk Management and Insurance
26. Saving and Investing
27. National Standards for Financial Literacy
28. Earning Income
29. Buying Goods and Services
30. Savings
31. Using Credit
32. Financial Investing
33. Protecting and Insuring

کتابنامه

القرآن الکریم

پیغامی، عادل و حیدر تورانی (۱۳۹۰)، «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول»، *نواوری‌های آموزشی*، شماره ۳۷.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، چاپ اول

حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۴)، *ترجمه الحیات*، مترجم: احمد آرام، تهران: انتشارات دلیل ما، چاپ ششم.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۸)، *شرح لمعه دمشقیه*، مترجم: حمید مسجدسرائی، کاشان: اندیشه‌های حقوقی.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان*، مترجم: سید محمدباقر موسوی‌همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طغیانی، مهدی (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی ایرانی تربیت اقتصادی»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۹)، «مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۴.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، «درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۱.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ هفتم.
- فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۸)، گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ویرایش یازدهم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲) کافی، تهران: نشر اسلامیه، چاپ دوم.
- مرادی باصیری، امین (۱۳۹۳)، «تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش مالی شخصی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *بیست گفتار*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- Advancing National Strategies for Financial Education, (2013), A Joint Publication by Russia's G20 Presidency and the OECD.
- Allgood, Sam & Walstad, William B, (2011), The Effect of Perceived and Actual Financial Knowledge on Credit Card Behavior, Networks Financial Institute.
- Gardner, David P, (1983), A nation at Risk: the Imperative for Educational Reform,"Washington, DC: US Government Printing Office
- Klemme, Diane, (2002), "National Jump Start Coalition for Financial Literacy Benchmarks: Curriculum Inclusion and Pedagogical Practice in Wisconsin", *Journal of Family and Consumer Sciences Education* 20.2
- Lopus, Jane S, and Lăcătuș, Maria Liana, (2002), "Economic Education in the High Schools: Post-comunist Romania and United States", *the Journal of Private Enterprise* 17.2.
- National Standards for Financial Literacy, (2013), Council for Economic Education
- National Standards in K-12 Personal Finance Education, (2007), JumpStart Coalition for Personal Financial Literacy, 3rd Edition
- Programme for International Student Assessment (PISA), (2012), Financial Literacy Assessment Framework, OECD.

تحليل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی ۲۵۹

Shaping a National Financial Literacy Strategy for 2014-17, (2013), Australian Securities and Investments Commission.

**The Conventional Model of Financial Literacy Education, a Critical Analysis
From the Islamic Economics Perspective**

*Mahdi Toghyani **

Received: 02/03/2015

*Amin Moradi Basiri***

Accepted: 01/20/2016

In this time, the United States has designed a model for financial literacy and tries to promote it by its large extent of advertisement throughout the world for the sake of Americanization of the world. According to this fact that using of experiments of the Western model is useful to design an Islamic model for financial education, in this article our goal is the critical analysis of this model by the Islamic approach. For the sake of research on this issue, we do research on different religious contents, , the articles that are related to Islamic economics and also supreme documents of administration of the Islamic Republic of Iran, and according to the selective principles from the religious contents , we accomplish the thematic criticism of the conventional model of financial literacy and we try to distinguish between the most important similarities and different aspects and also its defects in comparison to the religious principles. The most important findings of this article are that the conventional model for personal finance education is an individual model and it has less attention to collective identities of human life, but in the Islamic courses, the collective identities are more attended besides the individual identities of human life.

Keywords: Islamic Economics, Islamic Model for Financial Education, Conventional Model for Financial Literacy, Financial Literacy, Personal Finance

* Assistant Professor, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Esfahan University, (Corresponding Author), mtoghyani@gmail.com

** M.A. in Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, aminmoradi128@gmail.com